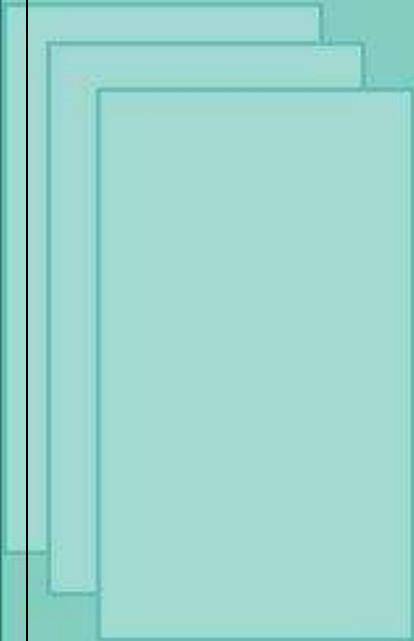




ای پدر ما



سطح مقدماتی

این کتاب ترجمه ای است از :
Les dossier de la Bible
Notre Pere
NOV. 1991 , No 40

ای پدر ما

عنوان : ای پدر ما
از مجموعه : مطالبی از کتاب مقدس

فهرست

۵	 مقدمه
۶	 دو شکل دعای ای پدر ما
۱۱	 ای پدر ما و دعای بنی اسرائیل
۱۴	عیسی و پدرش
۱۴	 در رساله های پولس رسول
۱۵	 در اناجیل نظیر
۱۹	 در انجیل یوحنا
۲۱	کلمات دعای ای پدر ما
۲۱	 نام تو مقدس باد
۲۲	 ملکوت تو بیاید
۲۴	 اراده تو کرده شود
۲۵	 نان کفاف ما را امروز به ما بده
۲۷	 قرض های ما را ببخش
۲۸	 ما را در آزمایش میاور
۳۰	 بلکه از شریر رهایی ده

۳۳ دو پدر کلیسا

۳۵ خدای پدر در عهد عتیق

۳۸ دیدگاه های امروزی

۴۰ یادداشت هایی برای تعمق

۴۰ خدای پدر در عهد عتیق

۴۱ خدای پدر در امثال

مقدمه

بر لب آوردن دعای ای پدر ما و پدر را دعا کردن، آن گونه که عیسی او را دعا می کرد، دو کار متفاوت است. کلمات دعا که در کودکی حتی پیش از آن که کودک بتواند معانی آنها را دریابد به او آموخته شده و در ذهن حک می شوند و با دیگر کلماتی که اسم «پدر» و چهره پدر را برای هر شخص تداعی می کنند در هم می آمیزند. اما دعا کردن، تنها یادآوری محفوظات نیست که در آن صورت امری کاملاً «حفظی» تلقی می شد، بلکه گفتاری است که از دل سرازیر می شود و مانند تمام کلماتی که از قلب سرچشمه می گیرند باید بی وقفه جان بگیرند، آشکار و عیان شوند و باز در روح القدس، همان چشمه ای که آنها را در ما به فوران می آورد، فرو روند.

این قسمت از سری کتاب های فرازهایی از کتاب مقدس، حول دعای عیسی نگاشته شده است، یعنی از مبدأ آن در دعای بنی اسرائیل تا کلام امروز که روح در ما مولود می سازد. این کتاب تک تک کلمات دعای ای پدر ما را تشریح و به کتاب مقدس، زندگی عیسی و تجربیات مسیحیان مرتبط می سازد.

دو شکل دعای ای پدر ما

همه ما دعای ای پدر ما را که در راز قربانی مقدس یا دیگر موقعیت ها خوانده یا گفته می شود به خوبی می شناسیم، پدران ما به لاتین **Pater noster** می گفتند. سپس کلیساهای بزرگ، ترجمه واحدی از آن را پذیرفتند. گروه بی شماری از مردم مطلع نیستند که این دعا برگرفته از انجیل متی است و لوقا نیز شکل دیگری از آن را در انجیل خود ارائه داده است. بد نیست کارمان را با مقایسه این دو ترجمه از دعای خداوند آغاز نماییم.

متی ۶:	لوقا ۱۱:
ای پدر ما که در آسمانی،	ای پدر،
نام تو مقدس باد،	نام تو مقدس باد،
ملکوت تو بیاید،	پادشاهی تو بیاید.
اراده تو چنان که در آسمان است	
بر زمین نیز کرده شود.	
نان کفاف ما را،	نان روزانه ما را،
امروز به ما بده،	هر روز به ما بده،
و قرض های ما را ببخش چنان که	و گناهان ما را ببخش زیرا که ما نیز
ما نیز قرضدان خود را می بخشیم.	همه کسانی را که به ما بدهی کرده اند
	می بخشیم
و ما را در آزمایش میاور	و ما را از وسوسه دور نگه دار.
بلکه از شریر رهایی ده.	

اصطلاحات مشترک بین انجیل متی و لوقا در اینجا با خطوط پررنگ مشخص شده اند. بدین صورت می توان با کمک این اصطلاحات مشترک، متن واحدی را دوباره پردازی کرد. قطعاً متن این دعا عیناً بر زبان عیسی جاری نشده اند اما

طرح آن قابل بحث می باشد.

- ابتدا خطابى به خدا که پدر خوانده شده است؛

- سپس دو آرزو (یا تمنا) در رابطه با خدا؛

- و درخواست برای دعا کنندگان.

قابل توجه است که اولین آرزوها ، مربوط به خواست های خداست و نه خواست های ما. دعاهاى ما اغلب از لابه لای احتیاجات ما سر برمی آورند و به همان جا نیز ختم می شوند. خدا نیز اگر بتواند این احتیاجات را برآورده سازد، برایمان جالب توجه خواهد بود.

اصول اضافی متی

متن متی عملاً مطالب بیشتری نسبت به متن لوقا در بر دارد؛ تعجب آور است که لوقا خود را مجاز دانسته که تکه هایی از دعای مختصر و موجز خداوند را حذف نماید. متی متن دعا را پرورانده و سعادت های موعود را در ۸ جمله ارائه نموده است درحالی که لوقا آنها را در ۴ جمله بیان می کند و تا اینجا متی ۳ مطلب اضافی دارد.

متی قسمتی را که خطاب به پدر می باشد با اصطلاح خاص یهودی «در آسمان» همراه کرده است، اصطلاحی که سیزده مرتبه در انجیل او آمده است. البته این موضوع چندان تعجب آور نیست چرا که او انجیلش را برای جمعیتی نوشت که از یهودیان جدیدالایمان تشکیل یافته بود. در ادامه دعا، اراده خدا را طلب نموده که دو آرزوی قبل را درباره نام او و درخواست آمدن ملکوت خدا بسط می دهد. سرانجام سومین تمنایش را در مورد وسوسه با جمله ای در رابطه با رهایی از شریر به پایان برده است. پس متی سه مطلب اضافی خود را در پایان هر بند از دعا آورده است.

دو نکته مبهم در انجیل لوقا

لوقا در قسمت مربوطه به درخواست نان، بر کلمه «هر روز» تأکید دارد و آن را عمومیت می‌دهد در حالی که متی تنها نان روزانه را درخواست می‌کند چرا که این دعا، دعای روزانه است. لوقا در دومین درخواست واژه نمادین «قرض‌ها» را با واژه «گناهان» جایگزین می‌نماید و احتمالاً خوانندگانش به مفهوم مجازی واژه که نزد یهودیان کاملاً جا افتاده است پی نخواهند برد.

تسبیح خداوند

متن دعای «ای پدر ما» که بین همه کلیساهای مشترک است با «تسبیح» نهایی خداوند و تحلیل جلال (doxa به یونانی) خدا پایان می‌یابد: «زیرا ملکوت و قدرت و جلال تا ابدالابد از آن توست». این ندای تحسین در دست نوشته‌های بی‌شمار متی و در نقل قولی از دعای «ای پدر ما» که در یکی از قدیمی‌ترین نوشته‌های مسیحی، یعنی اعتقادنامه مسیحیت (۸: ۲) به جای مانده یافت می‌شود که از آداب نیایشی جوامع مسیحی نشأت گرفته است.

آیین مذهبی کاتولیک، این تسبیح را پس از شورای عالی اسقفان تصویب کرد منتهی آن را پس از دعای کشیش و در پایان دعای «ای پدر ما» قرار می‌دهد: «ما را از شریریهایی ده...» در کلیسای پروتستان تسبیح و تمجید خدا جزء مکمل دعاست. دعا با این اعلام پایان می‌گیرد که ملکوت خدا تنها یک آرزو نیست بلکه از زمانی که عیسی آن را افتتاح نموده، ملکوت خدا آغاز شده است.

یک دعای تعلیمی

هر انجیل‌نگار، تعلیمی را که در دعای عیسی نهفته است به شیوه خود بیان می‌کند. در انجیل متی عیسی در موعظه‌اش بر سر کوه به شاگردانش و نیز به

جمعیت حاضر در مورد سه اصل خوب یهودیت یعنی صدقه، دعا و روزه تعلیماتی می دهد (۱:۶-۱۸).

او در مورد دعا می گوید: «مانند امته ا تکرار باطل مکنید» آنان می اندیشند با تکرار کلمات می توانند آن چه را که می خواهند از خدایان بگیرند. یس عیسی برای جلوگیری از این کار، دعا کردن را به ایشان تعلیم می دهد. به وضوح می توان دید که دعای ای پدر ما دقیقاً در میانه موعظه عیسی بر کوه قرار گرفته یعنی دقیقاً در مرکز تعلیم عیسی جای دارد.

در انجیل لوقا روایتی کوتاه در مقدمه دعا آمده مبنی بر این که شاگردان، عیسی را در حال دعا می بینند یس یکی از ایشان از او می خواهد که همانند یحیی دعایی به شاگردان خود بیاموزد (۱:۱۱). گروه شاگردان عیسی محتاج دعایی خاص بودند تا هرچه بیشتر به یکدیگر شبیه شوند. یس دعایشان می باید همانند دعای سرورشان، آن پسر یگانه، باشد هر چند که هیچ گاه او را در حال دعا با شاگردانش نمی بینیم.

این دعا و تعلیم به هر مناسبت و در هر زمانی که داده شده باشد، صمیمیت عیسی را با کسی که او را «پدر من» می نامد، نشان می دهد. او ما را به ورود در زندگی خدا دعوت می نماید، خدایی که او شاهد بالفعل اوست (دو آرزوی خواسته شده از خدا و برای خدا).

سرانجام ما را به اطمینان به خدا و سپردن جان و احتیاجاتمان به او دعوت می نماید (سه تقاضایی که برای خود می کنیم).

«آبا - پدر!»

سخن عیسی در سه متن عهد جدید یعنی متن مر ۱۴:۳۶؛ روم ۸:۱۵ و غلا ۴:۶ به زبان آرامی حفظ شده است. این خود دال بر شگفتی شاگردان عیسی از

سخن وی می باشد. «آبا» واژه ای است که کودک، پدر خود را با آن می نامد: «بابا!!!»

یک مفسر آلمانی که کاربرد این واژه را در متون یهودی مورد مطالعه قرار داده است نتیجه می گیرد: «از نقطه نظر تفکر یهودی، خواندن خدا با این نام بسیار خودمانی، بی ادبانه و غیرقابل باور بود. این امر کاملاً توین، منحصر به فرد و بی مانند است که عیسی جرأت نموده چنین صمیمانه و همانند کودکی که با پدرش سخن می گوید با سادگی و بدون ترس با خدا سخن گوید. از همان هنگام و بی هیچ شکی معلوم شد که واژه «آبا» که عیسی برای خطاب کردن خدا از آن استفاده می کرد، اساس اتحادش با او را آشکار می کند.

❖ ❖ ❖



آبا - ای پدر، ای بابا

ای پدر ما و دعای بنی اسرائیل

و اما چند متن نزدیک به متن دعای ای پدر ما :

ای پدر ما که در آسمانی

به درستی که تو پدر ما هستی! اگرچه ابراهیم ما را شناسد و اسرائیل (یعقوب) ما را به جا نیاورد اما تو ای یهوه، پدر ما و ولی ما هستی و نام تو از ازل می باشد (اش ۶۳: ۱۶).

باشد که دعاها و التماس های تمام بنی اسرائیل توسط پدرشان که در آسمان ها است مستجاب شود.

او را در برابر تمام موجودات زنده تمجید بنما زیرا که او خداوند ما، خدای ما و پدر ماست (طو ۱۳: ۴).

تو ای پدر ما و ای پادشاه ما رحمت را بر ما ارزانی داشتی... ای پدر ما، ای پدر شفقت، ای رحیم بر ما رحم کن.

نام تو مقدس باد

اسم عظیم خود را که در میان امت ها بی حرمت شده است و شما آن را در میان آنها بی عصمت ساخته اید تقدیس خواهم نمود و خداوند یهوه می گوید حینی که به نظر ایشان در شما تقدیس کرده شدم آن گاه امت ها خواهند دانست که من یهوه هستم (حزق ۳۶: ۲۳).

باشد که نام عظیم او در جهانی که به اراده خویش آفریده است تقدیس و تجلیل شود. تو قدوس هستی و نام تو قدوس است و مقدسین هر روزه تو را خواهند ستود. خداوند، خدای متبارک تو خجسته ای! ما نام تو را در جهان آفرینش تقدیس می کنیم همان طور که در آسمان برین آن را تقدیس می کنند.

ملکوت تو بیاید

در میان امت ها بگویند «خداوند سلطنت گرفته است... آسمان شادی کند! زمین مسرور گردد!... تمام درختان جنگل ترم خواهند نمود به حضور خداوند زیرا که می آید؛ زیرا برای داوری جهان می آید ربع مسکون را با انصاف داوری خواهد کرد و قدمها را با امانت خود (مز ۹۶: ۱۰-۱۳).

باشد که سلطنتش را به زودی زود در ایام شما و در ایام تمام خاندان بنی اسرائیل برقرار سازد.

ای پادشاه ما، از جایگاه خود بر ما سلطنت نما زیرا ما در انتظار تو هستیم. کی بر صهیون سلطنت خواهی کرد؟ از اکنون تا ابدالابد سلطنت خواهی کرد. خداوند تو و تنها تو با محبت و رحمت بر ما سلطنت و داوری نما... خداوند تو متبارک هستی ای پادشاهی که انصاف و عدالت را دوست می داری.

اراده تو چنان که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود

در قربانی و هدیه رغبت نداشتی... آنگاه گفتم اینک می آیم در طومار کتاب درباره من نوشته شده است، در به جا آوردن اراده تو ای خدای من رغبت می دارم و شریعت تو در اندرون دل من است (مز ۴۰: ۶-۹).

خداوند، اراده تو بر این قرار گرفت که قدم های ما را به تورات خود رهنمون شوی و ما را پای بند احکامات سازی.

نان کفاف ما را امروز به ما بده

سبزه ها را برای خدمت انسان و نان را از زمین بیرون می آورد... و دل انسان را به نان قوی می گرداند (مز ۱۰۴: ۱۴-۱۵).

تو جانداران را با محبت سیر می کنی، مردگان را به لطف و مرحمت خویش

رستاخیز می دهی، حامی افتادگان هستی، بیماران را شفا می دهی و اسرا را آزاد می سازی. ای سرور قادران چه کسی مانند توست؟
خداوندا خدای ما این سال و تمام محصولات آن را برای ما متبارک ساز. ما را با نیکی خود سیراب گردان.

قرض های ما را ببخش چنان که ما نیز قرضداران خود را می بخشیم
اشتباهات دوستان را ببخش تا گناهان تو نیز در دعایت بخشوده شوند.
چنان چه شخصی نسبت به دیگری خشم گرفته باشد چگونه می تواند در طلب شفای خود باشد؟ انسان که بر همنوع خود ترحم ندارد برای اشتباهات خود دست به دعا برمی دارد! (بنسی ۲۸: ۲-۴)

ای پدر ما، ما را ببخش که گناهکاریم، ای پادشاه ما لطفی در حق ما بنما که ما خطا کاریم و تو تنها بخشاینده و آمرزنده ای. خداوندا، تو که آمرزنده و بخشاینده ای متبارک هستی.

و ما را در آزمایش میاور بلکه ما را از شریریهایی ده
مگو: «خداوند مرا به گناه سوق داد چرا که خداوند از هر آنچه که زشت و ناپسند است دور می باشد». مگو «خداوند مرا گمراه نموده چرا که او با یک گناهکار چه می تواند کند؟» (بنسی ۱۵: ۱۱-۱۲).

خداوندا ما را تسلیم قدرت گناه، اشتباه و وسوسه یا عار و ننگ مساز، مگذار تمایل به شریر بر ما مسلط شود.

بر بی نوایی ما نظر بیفکن و ما را در این مبارزه رهنمون باش. به خاطر نامت ما را بی درنگ از این بلایا رهایی ده چرا که تو رهایی بخش قادری. خداوند، نجات دهنده بنی اسرائیل، تو متبارک هستی.

عیسی و پدرش

در رساله های یولس رسول

یولس رسول اغلب خدا را پدر می نامد (۴۲ مرتبه)، گویی که نام او پدر است. یولس، عیسی را نیز یسر یا یسر خدا می نامد (۱۷ مرتبه) و مسیحیان را یسران یا فرزندان خدا (۱۳ مرتبه) خطاب می کند.

پدر عیسی مسیح

از نظر یولس، خدا قبل از هر چیز پدر عیسی مسیح است. مرده ای که برای رومیان دارد در رابطه با «یسر خود... و به حسب روح قدوسیت یسر خدا به قوت معروف گردید از قیامت مردگان» (روم ۱: ۳-۴). یولس اغلب به رابطه بین پدر-فرزندی الهی و نیز به رستاخیز عیسی اشاره می کند. برای مثال او خود را برای غلاطیان این گونه معرفی می کند: «رسول از جانب... عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید» (غلا ۱: ۱). این حقیقت که عیسی یسر خداست ثابت شده است، زیرا پدرش او را به قدرت مرگ تسپارد. پدر این منشأ حیات، بدو حیات را در وجود یسر خود ظاهر ساخت.

پدر ما

اما یسر بدین طریق «تبدیل به نخست زاده از برادران بسیار» شد (روم ۸: ۲۹). «به وسیله او هر دو نزد پدر در یک روح دخول داریم» (افس ۲: ۱۸). یولس بی وقفه عبارات «خداوند عیسی مسیح» و «خدا پدر ما» را به خصوص در قسمت سلام و احوال پرسی، تقریباً در تمام رساله هایش به کار می برد گویی این اولین مرده ای است که باید داده شود. در ادامه رساله هایش نیز عباراتی مشابه را

همچون «تنها یک خداست و او پدر همه ماست» و «تنها یک خداوند عیسی مسیح» به کار می برد. ما بدان معنی که عیسی پسر خداست، پسر او نمی باشیم ولی فرزند خوانده های او شده ایم و آن هم به توسط کسی که خود را برای گناهان ما به حسب اراده خدا و پدر ما داد (غلا ۱: ۴). تمام فیض و برکات از طریق پسر به ما رسیده است.

زندگی کردن به عنوان یک پسر

ما با پسر و توسط او پسران خداییم و بدین ترتیب می توانیم در برابر خدا خود را حقیقتاً در برابر یک پدر بدانیم. «از آن رو که روح بندگی را نیافته اید که باز ترسان شوید بلکه روح پسرخواندگی را یافته اید که با آن آبا یعنی ای پدر ندا می کنیم» (روم ۸: ۱۵). دعای مسیحیان جز دعای یک پسر نیست. زندگی ما کاملاً با او دگرگون شده، ما با تعمیدمان نسبت به نوع خاصی از زندگی مرده ایم تا با مسیح رستاخیز کرده در «تازگی حیات رفتار نماییم» (روم ۶: ۴).

سفارشات پولس رسول از همین ایمان و اعتقاد ریشه می گیرند. فرزندان خدا به پدر اطمینان می کنند، آنان خدایان دیگری نمی شناسند و به هر قیمت خواهان شناساندن او می باشند و با محترم داشتن دیگران همانند برادران حقیقی با هم زندگی می کنند. در یک کلمه برای مسیحیان، محبت بالاتر از هر چیز است (۱- قرن ۱۳). ایمان به پدر عیسی، کاری است برای تمام طول زندگی که باید آن را پذیرفت و با آن زندگی کرد.

در اناجیل نظیر

نامیدن خدا به عنوان پدر نه ابتکار عیسی است در برابر یهودیت و نه ابتکار یهودیت در برابر مذاهب خاور نزدیک. با این همه، خواننده اناجیل حس

می‌کند که بتی اسرائیل وارد مرحله جدیدی از ارتباط با خدا شده‌اند و عیسی نیز رابطه پدر فرزندی که رابطه‌ای فراتر از استدلال یهودیت است با خدا برقرار ساخته است.

اناجیل عیسی

نقد اناجیل بر ما ثابت کرده است که تفکیک کلمات عیسی از آنچه که انجیل نگاران و شاگردانشان گفته‌اند هیچ‌گاه سهل و آسان نبوده است. روشن است که نمی‌توان تمام ۱۷۰ مرتبه‌ای را که کلمه پدر در اناجیل آمده است با یقین به عیسی نسبت داد. تکرار کلمه پدر در اناجیل به تدریج فزونی می‌گیرد؛ ۴ مرتبه در مرقس، ۱۵ مرتبه در لوقا، ۴۲ مرتبه در متی و ۱۰۹ مرتبه در یوحنا. این امر ثابت می‌کند که هر اندازه انجیل نگاران انجیلشان را دیرتر نوشته‌اند توجه بیشتری به این کلمه داشته‌اند اما به نظر می‌رسد که آنها تنها کلمه ابداعی عیسی را که باعث تعجب شنوندگان بوده منتشر ساخته‌اند.

عیسی از خدا همانند پدر سخن می‌گوید

در انجیل لوقا اولین کلام عیسی باعث ایجاد جدایی بین او و پدر و مادرش و موجب به وجود آمدن رابطه‌ای بی‌مانند با خدا می‌شود «مگر ندانسته‌اید که باید من در امور پدر خود باشم» (لو ۲: ۴۹). در متی می‌گوید: «پدر شما حاجات شما را می‌داند» (مت ۶: ۸). عیسی از خدایی افسونگر یا بوالهوس دوری می‌گزیند تا با خدایی نزدیک، به نزدیکی یک پدر با فرزندان‌ش رابطه ایجاد کند... مذهب باید ملاقاتی شخصی با پدری باشد که در آسمان‌هاست (مت ۶: ۱) و نه تمایشی ریاکارانه. خدا از آن‌جا که پدر است دعا و تمنای ایمان‌دارانش را گوش می‌دهد: «چقدر زیاده پدر شما که در آسمان است چیزهای نیکو را به آنانی که از او سؤال می‌کنند خواهد بخشید» (مت ۷: ۱۱).

در مکاشفات مذهب یهود از خدا انتظار می رفت که گناهکاران را تنبیه نماید. عیسی نمی تواند با این ذهنیت حاکم بر افکار مقابله نماید پس با موعظاتی در قالب امثال آنها را رد می کند. روایت یسر گمشده از پدری پیریشان سخن می گوید که می گذارد یسر سرکشش از خانه بیرون رود و به هنگام برگشت این یسر با صبر و گذشتی بی پایان بازگشتش را جشن می گیرد (لو ۱۵) (ر. ک. به ص ۴۲) این روایت ما را به یاد خدای پدر می اندازد، خدای رحیم که عیسی او را در تعلیمات و اعمالش مجسم می کند. مسیحیان وقتی مورد جور و ظلم قرار گرفتند باید به خاطر آورند که «روح پدر شما در شما گوینده است» (مت ۱۰: ۲۰).

ندای «ای پدر»، صمیمیت فوق العاده عیسی را با خدا نشان می دهد. عیسی خود را در ردیف کوچکان قرار داده می گوید: ملائکه ایشان دائماً در آسمان روی پدر مرا که در آسمان است می بینند (مت ۱۸: ۱۰؛ باروخ ۷: ۲۲ و ۱۰: ۲۳). و وقتی پطرس ایمانش را به عیسی اقرار می کند عیسی به وی پاسخ می دهد که پدر من که در آسمان است این را بر تو کشف کرده است (مت ۱۶: ۱۷). عیسی با گذشتن از دوم شخص جمع (پدر شما) به اول شخص مفرد (پدرم) ابوت الهی نسبت به تمام شاگردانش را نشان می دهد و در همان حال مدعی رابطه ای شخصی و بی همتا با این پدر می شود.

عیسی خدا را پدر خطاب می کند

عیسی به دفعات خدا را پدر خطاب می کند. در این جا به سه مورد یرمفهوم اشاره می کنیم. وقتی عیسی شاگردانش را انتخاب نمود این گونه دعا کرد: ای پدر، مالک آسمان و زمین تو را ستایش می کنم... (مت ۱۲: ۲۵). خدای خالق خدایی است که ملکوت را بر کوچکان آشکار می کند. قسمت پایانی دعا رابطه

بی همتای خدا و عیسی را این گونه بیان می دارد «پدر را هیچ کس نمی شناسد به جز پدر».

آخرین کلام عیسی در انجیل لوقا رابطه فرزندى عیسی را نشان می دهد: «ای پدر روح خود را به دست های تو می سپارم» (لو ۲۳: ۴۶). لوقا از این طریق خواست تا در پایان زندگی عیسی، اولین کلام او که نشان دهنده رابطه پدر فرزندى و بی همتای عیسی و خداست را نشان دهد.

در روایت تالم و اندوه عیسی در جتسیمانی که در انجیل مرقس ذکر شده (۱۶: ۳۶) از همان کلمه آرامی که عیسی به کار برده است استفاده شده: «ابا، بابا». یک دانشمند آلمانی گفته که این واژه خودمانی که به خدا خطاب شده ویژه عیسی بود. یهودیان از این واژه در دعاهایشان استفاده نمی کنند و بعید به نظر می رسد که مسیحیان جسارت به کارگیری این واژه را داشته باشند مگر این که از خود عیسی آن را آموخته باشند. عیسی اولین شخصی است که جرأت نموده با خدا توسط این واژه کودکانه سخن گوید. این واژه احتمالاً پس از اصطلاح «ای پدر» در سخنان عیسی (مر ۱۳: ۳۲؛ مت ۷: ۲۱) و نیز دعای او آمده است (مت ۱۱: ۲۵-۲۶، ۲۹: ۳۹، ۴۲؛ لو ۲۳: ۳۴، ۴۶).

میشناء این پایه و اساس تلمود تأکید دارد که باید با سری فرو شده خدا را خطاب کرد خصوصاً چون روحانیون ایشان بیش از شروع دعا یک ساعت را باید در انتظار می ماندند. اینها جزئیاتی است که بیشتر نشان دهنده بلندمرتبه بودن خداست تا روابط خانوادگی ما با او. این روش عیسی نیست. او خود را با خدا برابر می داند و نسبت خانوادگی شان کاملاً آشکار است.

در انجیل یوحنا

با مطالعه کل کتاب مقدس از اول تا به آخرین صفحه می توانیم خدا را کم کم بشناسیم. انجیل یوحنا آخرین مرحله این شناخت است چرا که عیسی یعنی کلمه، آخرین کلامی است که خدا آن را در ماهیت یک انسان بیان می دارد. عیسی در انجیل یوحنا بیشتر از سایر اناجیل خدا را «پدر» (۱۰۹ مرتبه) و خود را پسر می نامد (۳۰ مرتبه). این افزایش یافتن کلمات «پدر و پسر» کار انجیل نگار است و این کلمات از سخنان خود عیسی الهام گرفته شده است. «روح راستی» یوحنا را به «راستی کامل هدایت کرد» تا به وی بفهماند که کانون پیام اینجاست و عیسی توسط این کلمات هم هویت خود و هم نام حقیقی خدا را آشکار ساخته است.

پدر و من یکی هستیم

عیسی وقتی از خود سخن می گوید تقریباً همیشه منظورش اشاره کردن به پدر می باشد که او را فرستاده است (۱۷ مرتبه). برای مثال: خوراک من آن است که خواهمش فرستنده خود را به عمل آورم (۴:۳۴)؛ از خود کاری نمی کنم بلکه آنچه پدرم مرا تعلیم داد تکلم می کنم. او که مرا فرستاد با من است و پدر مرا تنها نگذاشته است زیرا که من همیشه کارهای پسندیدۀ او را به جا می آورم (۸:۲۸-۲۹). من و پدر یک هستیم (۱۰:۳۰).

عیسی در جریان آخرین شام در خطابه خدا حافظی با علم بر این که «ساعت او رسیده است تا از این جهان به جانب پدر رود...» (۱:۱۳) راز خود را بر شاگردانش آشکار می سازد: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی آید» (۱۴:۶). او در پاسخ به خواهمش فیلیپس که «خداوند پدر را به ما نشان ده و ما را کافی است» می گوید: «ای فیلیپس در این مدت که با شما بوده ام آیا مرا نشناخته ای کسی که مرا دید پدر را دیده است» (۱۴:۸-۱۰).

پدر من و پدر شما

این انس و الفت عمیق که پدر و پسر را متحد می سازد تنها به آن دو محدود نمی شود بلکه شامل آنانی است که عیسی ایشان را «دوستان من» می نامد: «هم چنان که پدر مرا محبت نمود من نیز شما را محبت نمودم. در محبت من بمانید... چنان که من احکام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او می مانم» (۱۵:۹-۱۰).

این دعای عیسی پیش از رنج کشیدنش می باشد: «ای پدر اینها شناخته اند که تو مرا فرستادی. اسم تو را به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که به من نمودی در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم» (۱۷:۲۵-۲۶).
تن گیری، نام حقیقی خدا را به انسان ها شناسانید یعنی چهره خدا را به عنوان یک پدر: «زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد» (۱۶:۳). مگر نه این که این محبت برای وارد نمودن انسانها به این رابطه بی همتای پدر و فرزند است؟ پدر بودن خدا به خصوص در محبتی که در تن گیری نهفته است مشهود است تا آنجا که آن رستاخیز کرده به برادرانش می گوید: «تزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما می روم» (۲۰:۱۷).

کلمات دعای ای پدر ما

نام تو مقدس باد...

نام تو

در مشرق زمین نام، در بردارنده پیام یا یک تعلیم می باشد و ورای یک اشاره ساده بیان گر طبیعت شخص دارنده اسم نیز می باشد. حقیقتاً تمام شرق باستان و کتاب مقدس از این قاعده مستثنی نیستند و نام اشخاص همانند و نام اماکن، مفاهیمی را دربر دارند.

خدا، اغلب در نام گذاری اشخاص میانجی گری می کند: تو به اسم جدیدی که دهان خداوند آن را قرار می دهد مسمی خواهی شد (اش ۶۲:۲). از آن جا که «نامیدن» به نوعی به وجود آوردن می باشد، نشان اقتدار و تسلط نیز هست. توجه به این اصل، احترام خاصی که در جوامع یهودی نسبت به نام خداوند می گذارند و نیز خودداری بنی اسرائیل از تلفظ این نام را توضیح می دهد. بن سیراخ در سال ۱۸۰ پیش از مسیح این چنین یزد و اندرز می دهد که: «عادت به نامیدن قدوس نکن» (۹:۲۳). این به جهت احترام به خداست و بدین معناست که همواره باید برای شناخت خدا حد و حدودی قائل شد، حدودی که خود خدا آن را تعیین می نماید.

«اسم عظیم خود را که در میان امت ها بی حرمت شده است و شما آن را در میان آنها بی عصمت ساخته اید تقدیس خواهم نمود و خداوند یهوه می گوید حینی که به نظر ایشان در شما تقدیس کرده شوم آن گاه امت ها خواهند دانست که من یهوه هستم» (حزق ۳۶:۲۳). در اینجا قدرت و نیرویی که خدا برای قوم خود به کار می برد در اسم او به خوبی دیده می شود. «بنابراین قوم من اسم مرا خواهند شناخت و در آن روز خواهند فهمید که تکلم کننده من هستم».

مقدس باد

در زبان عبری ریشه کلمه «قداست، مقدس» به مفهوم «جدا کردن، تمیز دادن» است. آرزوی تقدس نام خدا به نوعی بیان آرزوی احترام به خدا و شناسایی و قبول برتری اوست. انسان قدوسیت خدا را ارج نمی نهد اما قدوسیت او به هیچ وجه به انسان وابسته نیست. خدا در تمام اعمالش قدوس است و این امکان را به انسان نیز می دهد تا او را بستاید و بپرستد همان طور که دعای یهود می گوید: «تو قدوس هستی و نام تو قدوس است. خدایی به غیر از تو وجود ندارد. خداوندا تو متبارک هستی ای خدای قدوس».

این اولین آرزوهاست؛ آرزوی دومی نیز هست که نتیجه اش پیداست. قدوسیت خدا دور از دسترس انسان نیست چرا که خدا می خواهد ما مقدس باشیم. «مقدس باشید زیرا که من یهوه خدای شما قدوس هستم» (لاو ۱۹: ۲). دعا اشاره ای است به لطف بی حدی که در رساله به افسسیان بیان شده: «متبارک باد خدا... که ما را... برگزید تا در حضور او در محبت مقدس باشیم» (افس ۱: ۴).

ملکوت تو بیاید...

یادشاهی خدا

عیسی، اغلب از ملکوت خدا سخن می گوید که برای درک مفهوم آن لازم است به عهد عتیق و جامعه یهود آن زمان رجوع کرد. بنی اسرائیل همواره در آرزوی فرا رسیدن ملکوت خدا و آمدن پیروزمندانه او و به دست گرفتن حکومت توسط او هستند. اما تجربه یادشاهی در اسرائیل و یهودا اغلب مأیوس کننده بوده است. انبیا برای توصیف این یادشاهی از استعاره های دیگری کمک گرفته اند: «در روز خداوند، خدا تمام امت ها را داوری خواهد کرد» (ار ۲۵؛ حزق ۳۹؛ اش

(۲۴). قوم‌ها بر صهیون جمع شده و به خداوند خواهند گروید (مک ۴: ۱-۷؛ اش ۲: ۲-۴، ۶۶: ۱۹-۲۱). خدا همچون شبانی که گله‌اش را جمع می‌کند حکومت می‌کند و پادشاهی‌ش همواره مملو از صلح و صفا خواهد بود (اش ۹: ۶-۹، ۳۵: ۱-۱۰) هر کس می‌تواند با ایمان آوردن به آن وارد شود!

مزامیر اغلب اعلام می‌کنند که خدا پادشاه تمام زمین است و بر امت‌ها پادشاهی می‌کند: «به حضور بهوه پادشاه آواز شادمانی دهید... زیرا به داوری جهان می‌آید ربع مسکون را با انصاف داوری خواهد کرد و قوم‌ها را به راستی» (مز ۹۶: ۶-۹). نتیجه آمدن خدا داوری و نجات است و ظهور جلال وی. عیسی وقتی پادشاهی خدا را برای شاگردانش توصیف می‌نماید بیشتر از اعمال خدا سخن می‌گوید تا محل جریان این اتفاقات. ظهور ملکوت خدا به معنی ظهور خود خداست.

بیاید

این آرزوی دوم در ارتباط تنگاتنگ با اولین آرزوی دعاست یعنی آرزوی تقدس نام خدا. این دو آرزو یک موضوع واحد دارند، ظهور یرجلال خدا، طلب ملکوت خدا آرزوی ظهور جلال و پادشاهی اوست و نیز آرزوی خوشبختی و نجات انسان.

خدا با نشان دادن خود به صورت پادشاه و قدوس، به نیروهای شریر پایان می‌دهد نیروهایی که عیسی خود با آنها روبه‌رو شد و نیروهایی که هنوز فعال می‌باشند. ملکوت خدا که باید جهان آینده را ایجاد کند به مفهوم آخرین موعد نیروهای شریر می‌باشد: «برحذر و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود» (مر ۱۳: ۳۳).

ما مترصد اعمال قابل رؤیت خدا در اسرار قلوب و نیز در وقایع تاریخی

هستیم. ما در آرزوی آن زمان می باشیم که خدا سرانجام کارش را آغاز نماید. ممکن نیست بتوانیم با اراده خود این کار را انجام دهیم. اما می توانیم آمدنش را تسریع نماییم؛ با انتظار کشیدن، با تقویت امیدمان در کنار تمام کسانی که گرسنه و تشنه راستی می باشند.

اراده تو کرده شود...

اراده تو

فقط متی از آرزوی سوم سخن می گوید؛ عیسی نیز در باغ جتسیمانی همان کلمات را گفته بود: «آنچه اراده توست بشود» (مت ۲۶: ۴۲). از نظر من، این گفته ها، کلماتی هستند که بر روی یک تکه کاغذ نوشته شده اند: «پیش به سوی سرنوشتی نامعلوم! ای پدر اراده تو بشود». این آخرین پیغامی است که از مادر بزرگ محبوبم به جای مانده. او به سوی آشویتس می رفت و هرگز از آن جا باز نگشت. برای چند لحظه ای سکوت کردم و عیسی را در باغ جتسیمانی به یاد آوردم «او به روی درافتاد و دعا کرده گفته: ای پدر همه چیز ممکن است» به سکوت پدر و التماس پسر گوش دهید. «بیدار باشید!» اما در بازگشت ایشان را خفته یافت.

«پدر اراده تو بشود». اما مرگ نمی تواند اراده پدر باشد. انسان ها، یکدیگر را می کشند. حتی بی گناهان را. اراده خدا فقط حیات و نجات است. «من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیاده تر حاصل نمایند» (یو ۱۰: ۱۰). حزقیال بیشتر گفته بود: «آیا من از مردن مرد شریر مسرور می باشم نی بلکه از این که از رفتار خود بازگشت نموده زنده ماند» (حزق ۱۸: ۲۳). سکوت کردم و به یاد آوردم که قبر بی گناهی که مصلوب شده خالی است.

چنان که در آسمان است بر زمین نیز کرده شود

آسمان محل حکومت خداست جایی که خدا بدون منازعه در آن پادشاهی می کند (مز ۱۰۳: ۱۹-۲۱) درحالی که بر روی زمین نیروهای شریر علیه خدا و فرزندانش قد علم کرده اند. اوريجن در قرن سوم معتقد بود که این عبارت با سه آرزویی که در مورد نام، پادشاهی و اراده خدا می باشد متناسب است، آرزوهایی که به صورت جزئی در زمین تحقق یافته اند.

کلمه آسمان در این قسمت ها «ای پدر ما که در آسمانی... چنان که در آسمان است بر زمین نیز»: در برگیرنده همه آرزوی دعا است و ما را دعوت می کند که به آسمان توجه نماییم درحالی که دست ها را بالا می بریم، تا زمین نیز جایی شود که خدا به تنهایی در آن پادشاهی نماید. هیچ گونه آرزویی برای رفتن به جهانی بهتر دیده نمی شود و فقط همان آرزوی عیسی باقی است: «من آمدم تا آتشی در زمین افروزم پس چه می خواهم اگر الان در گرفته است» (لو ۱۲: ۴۹).

نان کفاف ما را امروز به ما بده...

نان کفاف ما

وقتی از نان سخن به میان می آید اغلب به غذا، خوراک، مشارکت و فراوانی یا به گرسنگی، قحطی و روزه... خلاصه به واقعیت های اساسی حیات می اندیشیم. نان از همان آغاز تمام مفاهیمش را آشکار کرده است: «به عرق پیشانیات نان خواهی خورد» (پید ۳: ۱۹)؛ نان ثمره کار انسان و محصول زمین است همان طور که در مراسم راز قربانی مقدس نیز گفته می شود. وقتی ملکیمصدق برای تبرک ابرام آمد با خود نان و شراب به نشانه ینمان و مشارکت آورد (پید ۱۴: ۱۸). بعدها خدا در صحرا «نان آسمانی» را به بنی اسرائیل داد، منا که تنها کافی بود آن را جمع کنند (خروج ۱۶). اما خدا، منا را روز به روز

به بنی اسرائیل می داد و آنها جز اعتمادشان به خدایی که وعده نان به ایشان داده بود تضمین دیگری نداشتند، یس خواستن نان، روزانه از خدا یک عمل ایمانی است. نان این ثمره تلاش و کار، نشانهٔ ییمان بین خدا و انسان است که باید آن را طلبید.

مزمور آفرینش (۱۵:۱۰۴) از نانی که دل انسان را قوی می گرداند سخن می گوید. به مفهوم کلمات دقت نمایید: قلب به مفهوم باطن، عقل و اراده است. واژهٔ انسان در این جا رابطه اش را با خدا نشان می دهد. یس نان در این جا خوراک باطنی است برای آن که در رابطه با خداست و با او متحد می شود. این نان کدام است؟ این نان کلام خداست! «انسان نه به نان تنها زیست کند بلکه به هر کلامی که از دهان خداوند صادر شود» (تث ۸:۳).

نان عطیه کاملی است که خدا می خواست آن را هم چون یک برکت علاوه بر سایر برکات به همهٔ مخلوقات خود بدهد. همان طور که پایان مزمور ۱۳۶ می گوید: «همه بشر را روزی می دهد زیرا که رحمت او تا ابدالابد است». اما تأیید این مسئله که نان عطیه خداست دلیل نمی شود تا آن را با کسانی که ندارند تقسیم نکنیم بلکه برعکس تقسیم نان با فقرا و غریبه هاست که عمل خدا را ممکن می سازد، ابراهیم به سه مردی که از مقابل چادرش می گذشتند گفت: «بیایید دل های خود را تقویت دهید» (پید ۱۸).

نان امروز

آیا باید نان امروز را طلبید (متی) یا نان هر روز را (لوقا)؟ طلب نان فردا با سخنان و تعلیمات عیسی تناقض دارد: «به فکر فردا نباشید زیرا فردا اندیشه خود را خواهد کرد بدی امروز برای امروز کافی است» (مت ۲۴:۶). این آیه ما را به یاد من می اندازد که «صبح به صبح» جمع آوری می شد (خروج ۱۶:۲۱).

شاگردان عیسی حداقل به اندازه بنی اسرائیل می توانند در اطمینان پدر و فرزند و در وفاداری پدر نسبت به وعده خود به سر برند. «اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد» (مت ۶: ۳۳).

قرضهای ما را ببخش...

بخشش در اولویت دوم نیازهای بشر قرار دارد؛ بخشش خدا و بخشش انسان گردهم می آیند گویی بخشش خدا به بخشش انسان دو روی یک حقیقت واحد هستند.

ما را ببخش

آن جا که متی از قرض و لوقا از گناهان سخن می گوید دعای آیین پرستشی از واژه توهین استفاده می کند. درواقع در زبان عیسی هر کلمه مفاهیم گوناگون خود را دارد. قرض برای ما به اعتبار مربوط می شود و به همین خاطر برای ما دشوار است مفهومی را که این کلمه در قرن اول برای فلسطینیان داشته دریابیم. مثل بدهکار بی رحم نشان می دهد که امکان داشته یک نفر با همه اعضای خانواده اش به غلامی فروخته شود (مت ۱۸: ۲۳-۲۵).

در ایمان یهود، قرض به خدا از زمان های دور شناخته شده است و طلب بخشش جزء اساسی دعا را تشکیل می دهد؛ مزامیر زیادی این گفته را تأیید می کنند. انسان در برابر خدا گناهکاری بی رحم است. البته مسلم است که او برای گناهانش قربانی می دهد اما از خدا می خواهد که او را «به خاطر اسم خود» (مز ۱۱: ۲۵) ببخشد چرا که خدای رحیم و رؤوف و دیرخشم و کثیر احسان و باوفاست (خروج ۶: ۲۴).

چنان که ما نیز می بخشیم

متی در دو آیه بعد، بر ارتباط بین بخشش خدا و بخشش انسان تأکید فراوان دارد (۶: ۱۴-۱۵). ابتدا در قسمت سعادت های موعود: خوشا به حال رحم کنندگان زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد (۵: ۷)، و سپس در دعوتی که برای به تأخیر انداختن گذراندن قربانی در معبد به عمل می آورد: «رفته اول با برادر خویش صلح نما» (۵: ۲۳-۲۴) که برای طرز فکر آن دوره بسیار عجیب بوده است. کمی دورتر این هشدار به چشم می خورد: «زیرا بدان طریق که حکم کنید بر شما نیز حکم خواهد شد» (۷: ۲). سرانجام یک مثل کاملاً این موضوع را روشن می سازد که چنان چه کسی که دیونش را بخشیده اند به توبه خود از ته قلب دیگری را نبخشند حقی نخواهد داشت (۱۸: ۲۳-۲۵).

قرصداران خود را

بخشش لازمه زندگی دسته جمعی است. بخشش باعث افتخار انسان است. برای پی بردن به مفهوم بخشش باید شخصاً آن را تجربه کرد. اما انسان ها به شکل خدا آفریده شده اند و به خداوند شباهت دارند و دعوت شده اند تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوند (مت ۵: ۴۵). بخشیدن، عبارت از باور کردن این دعوت و پاسخ به آن است، باور کردن زندگی نوین برای خود و دیگران، بدین طریق می فهمیم که بخشش نیز باید به صورت روزانه درست به مانند نان طلبیده شود.

ما را در آزمایش میاور...

متن یونانی می گوید ((ما را وارد آزمایش مساز)) نگذار تسلیم آزمایش شویم. ترجمه کنونی می گوید ما را در آزمایش میاور گویی که خدا انسان را آزمایش

می کند که البته این نظریه نامعقولی است.

«هیچ کس چون در تجربه افتد نگوید خدا مرا تجربه می کند... او هیچ کس را تجربه نمی کند. هر کس در تجربه می افتد وقتی شهوت، وی را می کشد و فریفته می سازد» (یع ۱: ۱۳-۱۴). به علاوه به نظر می رسد عبارت ما را در آزمایش میاور برای این بیان شده تا از خدا بخواهیم که هر آزمایشی را از ما دور سازد؛ این رویای یک زندگی بدون حضور شریر و گناه می باشد.

تجربه و آزمایش

کلمه یونانی که در این جا آزمایش ترجمه شده است به مفهوم تجربه نیز می باشد و در عهد عتیق هر دو معنی یافت می شود. آزمایش مفهومی منفی دارد و می تواند به معنی کشیده شدن به سوی گناه و اغوای شریر باشد اما تجربه بیشتر مفهومی مثبت دارد مثلاً در یک امتحان، تجربه همان مشکلی است که به شخص امکان بروز قابلیت هایش را می دهد و یا او را برای بیرون آمدن از آن امتحان کمک می کند. خدا به این مفهوم، ابراهیم را امتحان کرد تا شاهد ایمان بی چون و چرای او باشد (پید ۲۲: ۱). باز خدا بنی اسرائیل را امتحان می کند: «تا بدانند که یهوه خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان خود محبت می نمایند» (تث ۱۳: ۴) یا ایوب که پس از تکفیر به ایمان خالصی می رسد. برعکس هنگامی که امتحان به بدی کشیده و تبدیل به گناه می شود از آزمایش (وسوسه) سخن می رود و نیز از گرایش به سوی بدی، به عنوان مثال مرد وزن که توسط مار اغفال شدند (پید ۳)، و یا بنی اسرائیل که به محض برخورد با مشکلات در صحرا در برابر خدا طغیان کردند.

عیسی در جتسیمانی

روایات آزمایش عیسی که اناجیل نظیر در همان ابتدای فعالیت عیسی شرح می دهند یعنی بلافاصله پس از تعمیدش، اهمیت انتخابی را که آدمی می بایست انجام می داد و باز هم انجام دهد تا به اراده پدرش وفادار بماند و ادامه مبارزه روزانه اش برای آمدن ملکوت خدا را ادامه دهد نشان می دهد. در ابتدای شرح و رحمت عیسی روایت درد و رنج وی در باغ جتسیمانی انتخاب و جبهه گیری نهایی عیسی علیه شریر را نشان می دهد. او در برابر مرگ که بسیار آن را نزدیک حس می کند ترسان و مضطرب است: «ابا، پدر همه چیز در نزد تو ممکن است، این پیاله را از من بگذران لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو». سپس به شاگردانش می گوید: «بیدار باشید و دعا کنید تا در آزمایش نیفتید

عیسی، پطرس را آگاه ساخته بود: «ای شمعون اینک شیطان خواست شما را چون گندم غربال کند لیکن من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود» (لو ۲۲: ۳۱-۳۲). در برابر خطر، رنج یا مرگ که فریاد انسان را بلند می کند «خدای من چرا مرا ترک کردی» چه کسی می تواند از نیرویش مطمئن باشد؟ تنها قدرت خداست که می تواند ایمان دار را حفاظت نماید، درست مثل خود پسر؛ یا در مقابل نیروهای شریر که ایمان شخص را متزلزل می سازند، اما مگر دعای توأم با اطمینان و یا تضرعات، نوعی پیروزی ایمان بر ترس و عمل روح القدس نمی باشد؟

بلکه از شریر رهایی ده...

متی، آخرین آرزو و خواهش این دعا را با عبارتی مثبت بسط داده، تکمیل می کند. رهایی از شریر توسط خدا، از تمام آنچه که باعث شرارت می شود، اما شریر یعنی چه؟

عیسی ، همانند تمام معاصران خود قانع شده بود که تمام بیماری های روحی و روانی عمل ارواح شریر و ناپاک می باشند و برای شفای این بیماری ها او همین ارواح ناپاک و خبیث را خطاب می کند: «ای روح گنگ و کر من تو را حکم می کنم از او درآی و دیگر داخل او مشو» (مر ۹: ۲۵). «هرگاه به انگشت خدا دیوها را بیرون می کنم هر آینه ملکوت خدا ناگهان بر شما آمده است» (لو ۱۱: ۲۰). این رهایی چیزی جز عطیه روح القدس نیست که پدر آسمانی مایل است آن را به هر که از او سؤال کند، بدهد (لو ۱۱: ۱۳).



دو پدر کلیسا از پدر ما سخن می گویند

سیریان

(اسقف کارتاز که به سال ۲۵۸ شهید شده است)

دعای ما دعای عمومی و جماعت است به هنگام دعا ما تنها برای یک شخص دعا نمی کنیم بلکه برای تمام قوم دعا می کنیم چرا که ما با تمام قوم یک هستیم. خدای صلح و سرور اتحاد، که اتحاد و یگانگی را به ما تعلیم می دهد خواست که هر کس برای همه دعا کند همان طور که او خود، ما را متحد ساخته است... خدایی که همه پیروانش را در خانه اش گرد آورد، خانه های ابدی خود را جز به آنانی که در جمع با هم دعا می کنند نمی دهد.

«پدر ما». خداوند چقدر رحیم و رئوف است که می پذیرد ما این گونه دعا کرده او را پدر بنامیم. در میان ما هیچ کس جرأت نمی کرد از این کلمه در دعا استفاده کند و لازم بود که خداوند ما را تشویق به این کار نماید. اما برادران عزیز باید به یاد داشته باشیم که برای پدر نامیدن خداوند ما نیز باید رفتار و کردار پسران خدا را داشته باشیم. اگر قرار است که ما مورد پسند و توجه خدا قرار گیریم اول باید مورد پسند برادران خود باشیم. ما باید معبد خداوند باشیم محلی که مردم حضور خداوند را در آن حس کنند. کردار و رفتار ما نباید برخلاف انتظار روح باشد...

«نام تو مقدس باد» این خواسته نه به این منظور است که ما می خواهیم خدا به وسیله دعای ما تقدیس شود بلکه از او می طلبیم که نامش در ما تقدیس یابد. ما می خواهیم حال که توسط تعمید، تقدیس شده ایم آن را برای همیشه حفظ نماییم و این را هر روز می طلبیم چرا که هر روز خطا می کنیم اما باید از خطاهای خود و گناهان خود توسط یک تقدیس دائمی پاک شویم... و برای این منظور به دعا توسل می جوئیم... تا مگر این تقدس را و حیاتی را که مدیون الهویت او می باشیم حفظ نماییم.

پیر کریسولوگ Phierre Chrysologue

(اسقف راون، متوفی به سال ۴۵۰)

چه چیزی عجیب تر است، این که خدا خود زمینی شود یا این که ما را آسمانی سازد؟ این که جسم ما را بگیرد یا این که ما را در الوهیت خود شریک سازد؟ این که خود بمیرد یا این که ما را از مرگ برخیزاند؟ که خود در قید شما متولد شود یا این که شما را در زمره فرزندان خود تولید کند؟ که خود تابع فقر و نداری شما شود یا شما را وارثان خود سازد، تنها وارثان خود؟

یقیناً هراس انگیزترین اتفاق زندگی انتقال از زمین به آسمان است، تبدیل انسان توسط الوهیت و این که ما از مقام بندگی و غلامی به پادشاهی برسیم. ای فرزندان کوچک بیایید به سوی آن جا که ملامت ما را فرامی خواند آن جا که محبت ما را سوق می دهد آن جا که جوشش قلبمان ما را می برد. خدا پدر ماست. پدری که باطناً او را احساس می کنیم که صدایمان طنین نام او را منعکس می سازد، که نفسمان اعلامش می دارد. باشد که تمام وجودمان پاسخگوی لطف باشد و نه ترس. او که خود را از داور به پدر مبدل ساخته می خواهد او را دوست بداریم و نمی خواهد که از او بترسیم.

خدای پدر در عهد عتیق

شریعت

✠ به فرعون بگو خداوند چنین می گوید، اسرائیل پسر من و نخست زاده من است و به تو می گویم پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید (خروج ۴: ۲۲-۲۳).
 ✠ در بیابان که در آن جا دیدید چگونه یهوه خدای تو مثل کسی که پسر خود را می برد تو را در تمامی راه که می رفتید بر می داشت تا به این جا رسیدید (تث ۱: ۳۱).

✠ پس در دل خود فکر کن که به طوری که پدر پسر خود را تأدیب می نماید یهوه خدایت تو را تأدیب کرده است (تث ۸: ۵).
 ✠ آیا خداوند... پدر و مالک تو نیست او تو را آفرید و استوار نمود (تث ۳۲: ۶).

✠ به صخره ای که تو را تولید نمود اعتنا ننمودی و خدای آفریننده خود را فراموش کردی (تث ۳۲: ۱۸).

انبیا

✠ من او را پدر خواهم بود و او مرا پسر خواهد بود (۲ - سمو ۷: ۱۴).
 ✠ هنگامی که اسرائیل طفل بود او را دوست داشتم و پسر خود را از مصر خواندم (هو ۱: ۱۱).

✠ آیا از این به بعد مرا صدا نخواهی کرد که ای پدر من، تو یار جوانی من بودی (ار ۳: ۴).

✠ مرا پدر خواهی خواند و از من دیگر مرتد نخواهی شد (ار ۳: ۱۹).

✽ من پدر اسرائیل هستم و افرایم نخست زاده من است... افرایم پسر عزیز من یا ولد ابتهاج من است (ار ۳۱: ۹، ۲۰).

✽ به درستی که تو پدر ما هستی اگرچه ابراهیم ما را تشناسد و اسرائیل ما را به جا نیاورد اما تو ای یهوه پدر ما و ولی ما هستی و نام تو از ازل می باشد (اش ۶۳: ۱۶).

✽ ای خداوند تو پدر ما هستی ما گِل هستیم و تو صانع ما هستی و جمیع ما مصنوع دست های تو می باشیم (اش ۶۴: ۷).

✽ پسر پدر خود را و غلام آقای خویش را احترام می نماید پس اگر من پدر هستم احترام من کجاست؟ و اگر من آقا هستم هیبت من کجاست؟ یهوه صباوت با شما تکلم می کند (ملا ۱: ۶).

✽ آیا جمیع ما را یک پدر نیست؟ آیا یک خدا ما را تیافریده است؟ پس چرا... به یکدیگر خیانت می ورزیم؟ (ملا ۲: ۱۰).

✽ بر ایشان ترحم خواهم نمود چنان که کسی بر پسرش که او را خدمت می کند ترحم می نماید (ملا ۳: ۱۷).

دیگر کتاب ها

✽ از رحم بر تو انداخته شدم از شکم مادرم خدای من تو هستی (مز ۲۲: ۱۱).

✽ پدر یتیمان و داور بیوه زنان خداست در مسکن قدوس خود (مز ۶۸: ۶).

✽ او (داود) مرا خواهد خواند که تو پدر من هستی خدای من و صخره نجات من (مز ۸۹: ۲۷).

✽ خداوند هر که را دوست دارد تأدیب می نماید مثل پدر پسر خویش را که از او مسرور می باشد (امت ۳: ۱۲).

✽ در آن جا عظمت وی را بشناسانید وی را در برابر همه زندگان بسرایید

زیرا وی خدا و خداوند ماست وی برای همه قرن‌ها پدر ماست (طوبیاس ۴:۱۳).

✠ اما ای پدر این مشیت توست که دریا را درمی نوردند زیرا تا به دریا راهی کشیده‌ای و در امواج راههایی مطمئن (حکمت ۳:۱۴).

✠ خداوندا، پدر و قادر مطلق، زندگانی من را به یندار آن (سخنان) رها مکن مگذار که آن سخنان مرا بر زمین زنند (بن سیراخ ۱:۲۳).

✠ خداوندا، پدر و خدای زندگانی من، مرا شوخ چشمی عطا مفرما (بن سیراخ ۴:۲۳).

✠ نام خدا، پدر، خدای خود را بردم «در روزهای مصیبت مرا ترک مکن به روزگار متفرعنان که من بی کس هستم همواره نام تو را ستایش خواهم کرد و آن را در سیاسی سر خواهم داد» (بن سیراخ ۱۰:۵۱).



دیدگاههای امروزی در رابطه با دعای

ای پدر ما

الوهیت که مایل نبود کلمه را تنها نزد خود نگه دارد مأموریتی برادرانه به او محول نمود، مأموریتی که او را به این تن گیری بی همتا نیز کشاند... پدر آسمانی آنچه را که والدین آرزو دارند به فرزندانسان تقدیم نمایند به عیسی نداد؛ خدا او را پسری برای پدرش ننمود بلکه او را وارد یک زندگی فقیرانه و پر دردسر نمود که تا مرگ بر صلیب نیز کشیده شد و البته به این دلیل که شکوهی که برای وی در نظر گرفته بود شامل ایمان داران نیز باشد. این تعلیم ارزش رنج تحصیل را دارد. به خصوص که آدمی همواره در برابر یک پدیده بدیع تعجب زده می شود و این پدیده دورنمای مطیع ترین پسر و در عین حال آزادترین پسر می باشد.

خدا چگونه پدری برای ماست؟ با پدر نامیدن او چه انتظاراتی داریم؟ دعای ای پدر، دعای پسران حقیقی است یعنی دعای تمامی آنانی که همان را از پدر می خواهند که عیسی می خواست.

حتماً با روش والدینی که هدیه ای به فرزندشان می دهند و بعد می پرسند: «حالا چه باید بگویی؟... متشکرم...» آشنا می باشید. در این صورت کار ایشان بیشتر یک نوع داد و ستد است تا هدیه دادن. این داد و ستد همواره بین تسلها رایج بوده است. ما نسبت به تسل قبل ابراز قدردانی می کنیم به این امید که تسل بعد هم همین کار را در قبال ما انجام دهند. البته تنها به این خاطر که از خود گذشتگی معنی خود را از دست داده است و روابط ما با تسل قبل و بعد از خودمان به این شکل درآمده اما اگر چنانچه با تمام وجود چیزی را ببخشیم یا بدهیم دیگر احتیاجی به تشکر نخواهد بود و شخصی که هدیه را دریافت می کند آزاد خواهد بود تا آزادانه تشکر کند و از ته قلب سپاسگزاری نماید.

با خدا سخن گفتن به عنوان یک پدر، به یاد آوردن امکان یک چنین ارتباط کاملی است. مطمئناً پدر نامیدن خدا غالباً وابسته به این حقایق است که او به ما حیات بخشیده، ما را آفریده، اوست که قومی را تولید می کند یعنی قوم خودش را. البته به نظر می رسد که همه این حقایق زمانی مفهوم می یابند که قدرت خدا را در بخشیدن تمام این نعمت ها به صورت رایگان درک نماییم. از این جا در می یابیم که خدا برای شکر نعمت به انسان آزادی داده است و در نتیجه امکان حضور خدا در جهان تسلیم دست انسان شده است.

حتی چنانچه انسان خدا را برای نعمت هایش شکر نگوید باز عمل بازگشت ناپذیری که توسط آن خدا به انسان حیات و هویت می بخشد تغییری نخواهد کرد. خدا از حق شناسی انسان انتقام نمی گیرد حتی به عکس ممکن است خدا تمام این ها را به فراموشی بسپارد. اما در عین حال ممکن است شایستگی انسان نیز تقلیل یابد و دیگر آن پسری نشود که خدا او را وارث خود ساخته بود. دعای ای پدر ما به نوعی راه یافتن به این جنبه انسان و خداست.

یادداشت‌هایی برای تعمق

خدای پدر در عهد عتیق

در مقاله خدای پدر در عهد عتیق که چند صفحه قبل آن را مورد مطالعه قرار دادیم شما توانستید تمام متون عهد عتیق را که خدا در آنها «پدر» نامیده یا به یک پدر تشبیه شده بود را ببینید. این شاخص کاری امکان ریشه یابی دعای ای پدر ما را در عهد قدیم ممکن می‌سازد.

موضوع پدر بودن خدا در کتاب مقدس به مطالعه بخش‌هایی که او خود مستقیماً سخن می‌گوید محدود نمی‌شود. حقیقت این امر می‌تواند به صورت دیگری نیز تشریح شود، برای مثال وقتی که کتب مختلف کتاب مقدس از بنی اسرائیل همانند «پسران» یا «فرزندان» خدا سخن می‌گویند.

به تابلوی خدای پدر در عهد عتیق توجه کنید:

در ابتدا نقل قول‌ها را به دو گروه تقسیم نمایید.

- آن‌جا که خدا پدر نامیده شده

- آن‌جا که خدا به یک پدر تشبیه شده

• در رابطه با گروه اول (خدا پدر نامیده شده) متون را به سه گروه تقسیم کنید.

- آن‌جا که خدا خویشان را پدر نامیده (در کدام کتب؟)

- آن‌جا که انسان خدا را پدر می‌نامد

- آن‌جا که انسان به حضور پدر دعا می‌کند.

• پسر در هر کدام از این نقل قول‌ها کیست؟

موضوع پدر بودن الهی در سه قسمت از عهد عتیق ذکر شده البته نه به یک اندازه. باید قبول داشت که در تورات نامی از او برده نشده است (تنها اشاراتی به بنی اسرائیل به عنوان پسر شده به عنوان مثال خروج ۴: ۲۲-۲۳). در کدام

کتب انبیا و کدام قسمت حکمت موضوع پدر بودن دیده نمی شود؟
 * در این نقل قول ها کدام موضوعات به مسئله خدای پدر ربط داده شده اند:
 خلقت، پیمان، تعلیم، وفا، محبت، بی وفایی و عدالت...؟

تعمق در مورد مسائل فوق

چند پرسش در مورد مسائل فوق

آیا به نظر شما موضوع پدر بودن خدا در عهدعتیق به صورت جدی بیان شده است؟

آیا در بیان و توضیح آن اهمال نشده است؟ به نظر شما این اهمال چه بوده است؟

* پدری الهی به چه ترتیب خود را نشان می دهد؟ چگونه می توان این پدر بودن خدای بنی اسرائیل را در چند جمله تشریح کرد؟ آیا هیچگونه پیشرفتی در شیوه سخن گفتن از خدای پدر از تورات تا کتب انبیا می بینید؟

* این نقل قولها به چه تجربیات روحانی شهادت می دهند؟
 آیا عقیده شما درباره پدری الهی با آنچه که این نقل قولها می گویند یکی است؟
 آیا عقیده شما با تمام این نقل قولها مطابقت دارد یا با برخی از آنها؟ دوست داشتید کدام عقیده را حذف کنید؟ یا چه طرز فکری را بیفزایید؟

خدای پدر در امثال

عیسی، اغلب به منظور تعلیم شنوندگانش از مثل سود می جوید و آنها را توضیح می دهد: این شنوندگان ممکن است که از شاگردان یا مخالفان عیسی باشند. عیسی مایل است آنان را به نقطه اوج مثل یعنی مفهومی که در آن نهفته است سوق دهد تا گفتگوهای پرمهرتری با آنان داشته باشد.

در حقیقت مثل‌های اناجیل نظیر هیچ گاه از خدای پدر سخن نمی‌گویند، بلکه یا در پایان مثل، از او نام برده شده است یا این که از یک پدر زمینی سخن به میان می‌آید که می‌توان خدا را در او باز شناخت. بیش از مطالعه مثل پسر گمشده، مثل‌هایی که این دو ویژگی را دارند مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱- از خدای پدر صریحاً نام برده شده است

✧ در مثل کرکاس‌ها: «آن گاه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب درخشان خواهند شد» (مت ۱۳: ۴۳).

✧ در مثل بره گمشده: «همچنین اراده پدر شما که در آسمان است این نیست که یکی از این کوچکان هلاک گردد» (مت ۱۸: ۱۴).

✧ در مثل بدهکار بی رحم: «به همین طور پدر آسمانی من نیز با شما عمل خواهد نمود اگر هر یکی از شما برادر خود را از دل نبخشد» (مت ۱۸: ۳۵).

✧ در مثل دوست سمج: «چند مرتبه زیاده‌تر پدر آسمانی شما روح القدس را خواهد داد به هر که از او سؤال نماید» (لو ۱۱: ۱۳).

ببینید چگونه تمام این امثال دورتمایی از داوری را در خود جای داده‌اند. تمام آنها در رابطه با کلیسا و زندگی ایمان‌داران می‌باشند. عیسی در این امثال شاگردان را به چه دعوت می‌کند؟ کدام یک از درخواست‌های دعای ای پدر ما را در این امثال می‌بینید؟

۲- مثل‌هایی که از پدری زمینی سخن می‌گویند

✧ در مثل پسری که بلی می‌گوید و پسری که جواب رد می‌دهد (مت ۲۸: ۲۱-۲۸).

✧ آیه ۳۱ کدام درخواست دعای ای پدر ما را در ذهن شما تداعی می‌کند؟ به مشاجره‌ای که در این مثل آمده است خوب دقت کنید. ذیلاً در دو مثل دیگر

در انجیل متی شاهد مشاجرات مشابهی خواهیم بود: در این مثلها مخاطبین عیسی چه کسانی می باشند؟

مثل باغبانان سرکش (مت ۲۱: ۳۳-۴۴؛ مر ۱۲: ۱-۱۱؛ لو ۲۰: ۹-۱۸).
در این مثل دو کنایه نهفته است (به خصوص در انجیل متی): به همان اندازه که پسر مورد نظر است باغبانان نیز مورد نظر هستند (مت ۲۱: ۴۳). توجه داشته باشید که پسر در انجیل مرقس ۱۲: ۶ و لوقا ۲۰: ۱۳ چگونه توصیف شده است. آیا این مثل بدو تألیفی در مورد مسیح نمی دهد؟ آیا نمی توان همین نظریه را در مورد مثل بعدی نیز داد؟

✱ مثل جشن عروسی (مت ۲۲: ۱-۱۴؛ لو ۱۴: ۱۵-۲۵). همان تأکیدی را دارد که مثل قبلی در انجیل متی در مورد پسر داشت.
نشان دهید که این سه مثل طرح دقیقی از تاریخ نجات را ترسیم می نمایند به عبارتی در هر سه شخصیت یا (هر گروه شخصیتی) عهدی بین خدا و قومش توصیف می شود.

۳- مثل پسر گمشده و پدر پرشفت (لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲)
توجه داشته باشید که مخاطبین عیسی چه کسانی می باشند؛ این مثل نیز مانند دو مثل قبلی یک مورد خاص می باشد. دو برادر مجسم شده اند. رفتار پدر را نسبت به هر کدام مقایسه کنید. احترامش نسبت به آزادی هر کدام را توصیف نمایید. چه کسی قدم اول را برمی دارد؟ این مثل یکی از تألیفات مهم انجیل می باشد چرا که شفقت پدر نسبت به پسر گمشده و شادی او را از بازگشت گناهکار نشان می دهد. عیسی شخصاً این تجربیات را مثلاً با زکی (لو ۱۹: ۱-۱۰) داشته است. این مثل، ملکوت خدا را که عیسی با زندگی خود آن را گشوده است، حکایت می کند.

۴- نتیجه

با تفکر در دعای ای پدر ما بسیار سهل است که به رابطه بین مثللهایی که خواندیم و روابط میان پدر و ایماندارانش یعنی همان فرزندان او پی ببریم. این موضوع را با درخواستی که برای آمدن ملکوت خدا و به اجرا در آمدن اراده پدر و بخششی که به خامان خود عرضه می کند تا دریافت کنند و با یکدیگر تقسیم نمایند در می یابیم.